

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ابدال ثلاثه در عرض هم هستند يا در طول هم؟

يكي از بحث‌هاي مهمي كه در اينجا مطرح شده است، اين است كه آيا اين امور ثلاثه در عرض هم هستند يا در طول هم؟ اگر گفتيم كه اين امور ثلاثه در عرض يكديگرند، معنايش اين است كه براي مكلف، فرق نمي‌كند كه براي پيدا كردن مأمن از عقاب، راه اجتهاد را انتخاب كند يا راه تقليد را، يا راه احتياط را انتخاب كند.

اگر گفتيم كه اين امور ثلاثه، در طول هم‌اند، معنای طولیت این است كه اگر مثلاً احتياط ممكن نشد، برود سراغ تقليد. در اينجا سه بحث وجود دارد كه قبل از بيان آنها، چند نكته را به عنوان مقدمه، بايد مد نظر قرار داد.

چند نكته

نكته اول: اين نزاع روي نظريه كه قبلاً اختيار شد، كه تخيير بين امور ثلاثه، يك تخيير عقلي است، جريان ندارد، اگر گفتيم تخيير بين امور ثلاثه؛ تخيير عقلي است، كه عقل ما را مخير مي‌كند يا بايد به اجتهاد يا تقليد يا احتياط عمل كنيم، ديگر فرقي بين اين امور ثلاثه نيست. اين سه تا در عرض همدیگر هستند. بنا براین، اين نزاع اصلاً متفرع بر اين بحث است كه تخيير بين اين امور ثلاثه را تخيير عقلي ندانيم.

نكته دوم: احتياط مورد بحث، يك احتياط مشروع است. ما در شريعت يك نوع احتياط داريم كه مبغوض مولا است. اگر در يك جا عمل كردن به احتياط، موجب اختلال نظام شود، اين احتياط كه مخلّ به نظام معيشتي مردم است، مبغوض مولا است. لذا گاهي اوقات بعضي فقهاء، در بعضي موارد چه بسا احتياط را حرام مي‌كنند. اين مي‌شود احتياط مبغوض.

گاهي اوقات، احتياط به اين حد كه مخلّ به نظام باشد نمي‌رسد، اما موجب عسر و حرج است، حالا اگر كسي بخواهد احتياط كند، مستلزم عسر و حرج است. آن ادله‌ي مثل «ما جعل عليكم في الدين من حرج» مي‌آيد احتياط مستلزم عسر و حرج را برمي‌دارد.

پس احتياطي كه در اينجا محل نزاع است، احتياطي است كه مشروع است، يعني مبغوض مولا نباشد. ملاك در مبغوضيت، همان مخلّ بودن به نظام است.

ديگر اينكه احتياط، مرفوع نباشد، ملاك در مرفوعيت، اين است كه يك احتياط مستلزم عسر و حرج شود، كه ادله لا حرج بيايد

چنین احتیاطی را بردارد، این احتیاط می‌شود مرفوع. این هم نکته دوم.

نکته سوم: مراد از احتیاط در اینجا، احتیاطی است که ممکن باشد. حالا اگر در یک جا اصلاً ممکن نیست، اینجا دیگر نزاع نداریم که آیا بر اجتهاد و تقلید، احتیاط تقدم دارد یا ندارد؟ در دوران بین محذورین، احتیاط امکان ندارد، اینجا جای احتیاط نیست و هیچ کس نزاع ندارد که آیا احتیاط بر اجتهاد یا تقلید تقدم دارد یا ندارد؟

پس در تمام این بحث‌هایی که می‌خواهیم داشته باشیم، این سه نکته، باید مد نظر باشد.

بحث اول؛ آیا احتیاط بر اجتهاد و تقلید تقدم دارد یا ندارد؟

ادله قائلین به تقدم احتیاط

برای تقدم احتیاط بر اجتهاد و تقلید، از مجموع تتبعی که ما در کلمات کردیم، مجموعاً دو دلیل ذکر شده است که با این ادله می‌خواهیم بگوئیم مکلف مادامی که می‌تواند احتیاط کند، سراغ اجتهاد و تقلید نرود.

دلیل اول

گفته‌اند: احتیاط و جواز احتیاط، یک حکم عقلی است. عقل حکم می‌کند به اینکه احتیاط یک امر صحیح و امر حسن است، اما اجتهاد و تقلید نیاز به جعل شارع دارد. در اجتهاد و تقلید، شارع باید حجیت را برای اجتهاد مجتهد جعل کند. الان یک مجتهدی که می‌خواهد فتوا دهد، ما برای حجیت فتوای این مجتهد، نیاز به دلیل داریم، نیاز به جعل شارع داریم. برای تقلید هم همین‌طور. لذا می‌گویند: احتیاط و جواز احتیاط، یک حکم عقلی است، اما اجتهاد و تقلید یک مجعول شرعی است، و در دوران بین این دو، روشن است که یک حکم مسلم عقلی، رجحان دارد بر آن که نیاز به جعل شرعی دارد.

مناقشه

بطلان این دلیل روشن است. چرا که یک خلف در آن دلیل واقع شده است و آن خلف این است که؛ درست است که شارع می‌آید برای اجتهاد و تقلید جعل حجیت می‌کند، اما بعد از این که شارع جعل حجیت کرد، چه قوه‌ای ما را ملزم می‌کند که باید از این طریق اطاعت کنیم؟ عقل ما را ملزم می‌کند.

شارع حجیت را برای اجتهاد جعل می‌کند، این درست، حالا اگر کسی بر طبق اجتهاد، یک فتوایی داد، و بر طبق آن فتوا عمل کرد، آن چیزی که حکم می‌کند به اینکه این عمل شما مجزی است، عبارت است از «عقل».

بعبارة أخرى؛ عقل یک قانون کلی دارد و آن این است که می‌گوید به هر طریق معتبری تو می‌توانی اکتفا کنی، «بجوز الاکتفاء فی الامتثال بطریق معتبر»، حالا این طریق معتبر، گاهی اعتبارش را خود عقل بیان می‌کند، گاهی اعتبارش را، شارع بیان می‌کند.

بعبارة أخرى؛ این که اجتهاد و تقلید نیاز به جعل حجیت دارد، این مربوط به صغری و موضوع است، اما در کبری، بین احتیاط، و اجتهاد و تقلید، فرقی وجود ندارد.

در احتیاط عقل می‌گوید: «بجوز الاکتفاء بطریق معتبر»، در اجتهاد و تقلید هم عقل می‌گوید: «بجوز الاکتفاء بطریق معتبر»، پس هر دو برمی‌گردد به حکم عقلی و از این جهت بین اینها فرقی وجود ندارد. این دلیل اول اینها، و جوابش.

دلیل دوم

در دلیل دوم می‌گویند: در احتیاط، امتثال یقینی است. یعنی اگر کسی احتیاط کرد، دیگر یقین پیدا می‌کند آنچه که وظیفه‌ی او بوده انجام داده، اما در اجتهاد و تقلید، امتثال، امتثال ظنی است، یعنی وقتی یک مجتهدی فتوا داد، و مقلد بر طبق فتوایش عمل کرد، این امتثال، امتثال ظنی است، یعنی ما نمی‌دانیم که یقیناً و واقعاً امتثال شده باشد.

به بیان دیگر، در احتیاط، ما وصول به حکم واقعی داریم، یعنی وقتی احتیاط کردیم، یقیناً آن حکم واقعی در لوح محفوظ را امتثال کردیم. شما نمی‌دانید که روز جمعه در زمان غیبت، نماز جمعه واجب است یا نماز ظهر؟ حالا اگر احتیاط کردید و هر دو را خواندید امتثال قطعی شده است.

یا نمی‌دانید در نماز سوره واجب است یا نه؟ احتیاط کردید سوره را هم خواندید، با این احتیاط، یقین داریم به امتثال. آنچه که در لوح محفوظ، به عنوان حکم واقعی است، شما انجام داده‌اید.

اما اگر امتثال مربوط به اجتهاد باشد، اجتهاد کردید که در روز جمعه، در زمان غیبت نماز جمعه واجب است، خودتان هم رفتید نماز جمعه را خواندید. این امتثال، امتثال ظنی می‌شود.

اگر از عقل سؤال کنید که دو راه برای امتثال وجود دارد، یکی امتثال یقینی، یکی امتثال ظنی؛ یکی وصول به حکم و تکلیف واقعی، دیگری عدم وصول به حکم واقعی؛ کدام را ترجیح می‌دهی؟ عقل می‌گوید: آنچه که موجب امتثال یقینی است ترجیح دارد، هرچه که شما را به حکم واقعی و تکلیف واقعی می‌رساند، آن ترجیح دارد.

این دلیل دوم کسانی که قائلند که احتیاط، بر اجتهاد و تقلید تقدم دارد.

مناقشه

از این دلیل، جواب‌های متعددی می‌توان بیان کرد.

جواب اول (در اجتهاد هم امتثال یقینی است):

جواب اول (این جواب را غالب بزرگان دارند) این است که ما در اجتهاد هم امتثال یقینی داریم، لکن امتثال یقینی در اجتهاد و تقلید، یقینی تعبدی است، نازل منزله یقین وجدانی است، نازل منزله علم وجدانی است. یعنی شارع وقتی می‌آید حجیت را برای اجتهاد جعل می‌کند، می‌گوید: این را من، نازل منزله علم قرار دادم. (شاید اولین کسی که تعبیر به علم تعبدی کرده است مرحوم نائینی باشد). یعنی ما تعبد را علم بدانیم.

وقتی می‌گوئیم علم تعبدی، یعنی واقعاً علم نیست، اما بمنزله علم است، و شارع گفته همان معامله‌ای که با علم می‌کنید، با این حکم ظنی که از راه اجتهاد یا تقلید بدست آورید، همان معامله را داشته باشید.

پس جواب اول، این است که امتثال از راه اجتهاد و تقلید هم، یک امتثال علمی است، منتها علم تعبدی، و از این جهت فرقی نمی‌کند. پس احتیاط ولو امتثال یقینی است، و یقینی وجدانی است، اما اجتهاد و تقلید ایضاً یقینی است، منتها یقین تعبدی. هر دو عنوان یقینی را دارند.

جواب دوم (ما مکلف به وصول به احکام واقعیه نیستیم):

جواب دوم (که این جواب عمدتاً اشاره دارد به بیان دوم)؛ در بیان دوم گفتند: در احتیاط، «نحن نصل الي الحكم الواقعي و التكليف الواقعي»، اما در اجتهاد و تقلید، ما وصول به حکم واقعی نداریم.

جواب این است که مگر ما مکلف به وصول به احکام واقعیه هستیم؟ ما دلیلی نداریم بر این که ما موظف به فهمیدن آن حکم و تکلیف در لوح محفوظ و در واقع باشیم. بلکه ما باید یک کاری کنیم، که مأمّن از عقاب داشته باشیم، و این بحث خیلی بحث مهمی هست، آنچه که ما دلیل داریم، این است که مکلف در مقام عمل باید، یک عملی انجام دهد، که مأمّن از عقاب باشد، اما این که ما مکلف باشیم که حتماً به حکم واقعی برسیم و ببینیم در لوح محفوظ چه حکم واقعی و چه تکلیف واقعی است، دلیلی بر این نداریم.

نه تنها دلیل نداریم، بلکه قبل از زمان ظهور، این امر، یک امری غیر ممکن است. آن مقداری که هست این است که عقل می‌گوید، شما علم اجمالی دارید به یک سری از تکالیف، باید یک مأمّنی از عقاب داشته باشید، حالا در بعضی از موارد، ممکن است که ما به حکم واقعی برسیم، اما در بعضی موارد، هم به حکم واقعی نمی‌رسیم.

لذا جواب دوم این است که برای انسان وصول به واقع واجب نیست، تا شما بگوئید: «الاحتیاط طریق الي وصول الواقع»، پس باید احتیاط مقدم شود. لزومی ندارد. حالا که واجب نشد، احتیاط و اجتهاد و تقلید در یک رتبه است. بله تردیدی نداریم که الاحتیاط حسن، احتیاط رجحان دارد، اما رجحان نه به معنای تعین است.

بحثی که ما در این جا داریم، این است که آیا طولیت، معنایش این است که احتیاط بر اجتهاد و تقلید تعین دارد یا ندارد؟

ما در جواب می‌گوئیم: تقدمش تعین ندارد. بله، تقدمش رجحان دارد، و در این تردید نیست.

لذا خود مجتهد گاهی اوقات اجتهاد می‌کند، اما در مقام عمل احتیاط می‌کند، ولی تقدمش بر اجتهاد و تقلید، تعین ندارد. این هم جواب دوم.

جواب سوم (اطلاق ادله حجیت امارات):

جواب سوم این است که دلیل آمده می‌گوید: خبر واحد حجت است. دلیل می‌گوید اگر یک ثقه‌ای، در یکی از مسائل شرعی، خبری را از یکی از ائمه (ع) نقل کرد، برای شما حجت است. ادله‌ی حجیت امارات، اطلاق دارد، می‌گوید: این خبر واحد حجیت دارد، می‌توانید بر طبقش عمل کنید، اعم از این که احتیاط برای شما ممکن باشد، یا نباشد.

هیچ دلیلی نداریم که گفته باشد، خبر واحد حجت است اگر احتیاط ممکن نباشد. پس جواب سوم؛ اطلاق ادله حجیت امارات است.

جواب چهارم (سیره معصومین):

چهارمین پاسخ بر دلیل دوم اینها، سیره معصومین (علیهم السلام) است. در زمان معصومین (ع) وقتی زراره یک حرفی را می‌زد، متدینین و متشرعه، بر طبق آن عمل می‌کردند، و لو احتیاط هم برایشان ممکن بود، غالباً توجهی به عمل احتیاطی نداشتند. این

سیره در منظر معصوم(ع) بوده، و مورد امضاء و تأیید معصوم(ع) است.

جواب پنجم (اطلاق ادله تقلید):

پاسخ پنجم؛ اطلاق ادله تقلید است. بعداً وقتی ادله تقلید را بیان کنیم ملاحظه خواهید فرمود که ادله تقلید، اطلاق دارد و می‌گوید تقلید برای شما صحیح است، بلکه در بعضی از موارد واجب است، ولو این که عمل به احتیاط هم ممکن است.

نتیجه بحث اول

پس اگر از ما پرسیدند، آیا در دوران این سه‌تا، احتیاط بر اجتهاد و تقلید تقدمش تعیین دارد یا نه؟ عرض کردیم دو دلیل بر لزوم تقدمش ذکر شده، و دلیل دوم دارای دو بیان بود، که این دو بیان را به منزله دلیل سوم هم می‌شود قرار داد. ما از هر دو دلیل جواب دادیم. پس روشن شد که احتیاط بر اجتهاد و تقلید، تقدم ندارد.

بحث بعدی عکس این است، آیا اجتهاد و تقلید، بر احتیاط تقدم دارد یا نه؟ جایی که انسان می‌تواند اجتهاد یا تقلید کند، آیا اینجا می‌توانیم بگوئیم این اجتهاد و تقلید، تقدم دارد؟ حق احتیاط کردن دارد یا نه؟

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين